



برخاشگری تودکان



حالت برخاشگری اگر چه در مواردی بسیار وضعی قابل رؤیت ندارد و به زحمت میتوان فـرد برخاشگر را از غیر آن باز شناخت ولی در عین حال چهره و ظاهر بسیاری از افراد بویژه در آن گاه که مواجه با حادثه ای خلاف میل و رغبت خود میشوند حال درون آنها را نشان میدهد. نگاه شان تنـسـد ، دندانها بهم فشرده، برپیشانی چین برآمده ، رگهای گردن قوی ، حالت او حالت حمله است .

در آمادگی برای برخاشگری لبها را بهم می-فشرده ، حتی گاهی نفس را در سینه حبس میکند تا جستی زند و عقده خود را بتکاند . اما درحین اعمال این حالت باید گفت وضعی عادی ندارد رفتارش همراه با تند شدن نبض است . فشار خون بالا می رود تنفس او تند و سریع میشود ، ماهیچه های پیش سفت و منقبض میگردد ، آرامش و سکون او از بین می رود ، حتی کارد سنگاه گوارش او مختل میشود ادراک حسی او کاهش می یابد ، آنچنان که درد را حس نمی کند ، اثر صدمه ها را نمی یابند و بالاخره خود و بدنش را خسته و فرسوده میسازد .

دکتر علی قائمی

خطرات پرخاشگری

بر این اساس پرخاشگری ممکن است موجب خطری برای خود فرد و دیگران باشد. اما خود فرد آثار و عوارضی را در این زمینه متحمل میشود که جلوه آن را در بالادیده‌هایم. اینکه فرد دائما "حالت نگران کننده‌ای داشته باشد، تنفس او سریع و نبض تند باشد چیزی نیست که برایش خطر نداشته باشد.

چه بسیاری افرادی که در مواقع پرخاشگری بر خود صدمه میزنند و جسم و روان خود را می-آزارند. اختلالات در دستگاه گوارش، فشارهای وجدانی پس از اعمال خشونت‌ها، فرسودگی‌های زائد از حدیدن از مسائلی نیستند که برای فرد مفید باشند.

خطر دیگر آن متوجه دیگران است که در آن افراد مورد پرخاش شدت مورد صدمه‌اش واقع میشوند. کتک میخورند، سرزنش میشوند مورد تحقیر و استهزاء قرار میگیرند و عوارض منفی و زیانبار بسیاری را تحمل میکنند. فرد پرخاشگر در آنگاه که عقده‌تکانی میکند متوجه رفتار خود نیست و چه بسا که صدمه‌ای غیر قابل جبران بر افراد وارد آورد و موجب نقص عضوی شود.

فواید پرخاشگری

در عین حال باید بگوئیم که پرخاشگری همه‌گانه زیانبخش نیست، آثار مثبت و فوایدی هم برای آن مطرح است. اصولاً "در جنبه آفرینش هیچ غریزه‌ای ذاتاً" بدآفریده نشده، هر کدام برای حفظ و رعایت مصالحی در انسان و حیوان وجود دارد. خطر آفرینی آنها برای مواردی است که آن غریزه تعدیل و تربیت نشده باشد و یا از آن بر اساس ضوابط اندیشیده و معقولی استفاده بعمل نیاید.

در مورد پرخاشگری باید بگوئیم که وجود آن از جهت متعددی ضروری است:

- از جهت حفظ وجود و دفاع از خود
- برای تامین پیروزی‌ها و وصول به اهداف مورد نظر
- برای حفظ نظم و بقای اجتماعی که در آن زندگی میکنیم.
- از جهت حفظ و بقای نسل و نوع بخاطر نیاز به مبارزه با دشمن.
- برای مبارزه و ایستادگی در برابر آنچه که زشت و غیر عقلانی است.
- و بالاخره برای دفاع از سرزمین، عقیده



مذهب و حفظ شرف خود .

نقش خانواده در این راه

در این امر خانواده نقشی اساسی دارد بویژه از آن بابت که طفل دوران شکل گیری شخصیت خود را در خانه میماند ، از پدر و مادر درس و الگو میگیرد ، راه و رسم حیات تا نحوه موضعگیری در برابر مسائل را از آنان می آموزد و هم بر اساس مهر و قهر والدین روش زندگی خود را انتخاب میکند .

مادام که رفتار والدین اصلاح نشود و تا زمانی که نابسامانیها در خانواده تحت کنترل و ضابطه‌های در نیابند امید سازندگی و اصلاح در کودکان نخواهد بود . آنها که از داشتن فرزندان پرخاشکر و نابسامان ناراحتند ضروری است نخست خود را بسازند و هم از پدید آمدن عوامل و انگیزه های مربوط به نابسامانی و پرخاشکری در کودکان جلوگیری کنند .

در اصلاح فرزندان نقش مادر مهم است . اگر مادران فرزندان خود را لوس و پرتوقع باریاورند اگر آنان فرزندان بیحوصله و پرخاشکر خود را تحت حمایت روانی خود قرار دهند بسیاری از مسائل و دشواریها در این زمینه خود بخود حل است .

البته در این راه میتوانند از مربیان ذی صلاح و از مسئولان آگاه کسب نظر کنند و مشورتهائی داشته باشند تا به راه و رسمی اندیشیده دست یابند و زمینه را برای شایستگی های بعدی کودکان فراهم کنند .

اگر انسانها در برابر جریانات و صحنه هایی تفاوت باشند ، اگر درباره آنچه که برای انسان حاصل میشود عکس العملی بروز نکند و بالاخره اگر در برابر دشمنان حرکت و نوری از خود بروز ندهیم بزودی فانی و تباه مشویم و علائق حیاتی در معرض تهدیدها قرار خواهند گرفت . بدینسان اصل وجود این غریزه یا حالت در انسان مثبت و دارای جنبه های سودبخشی برای حیات فرد و جامعه است .

ضرورت تربیت آن

آنچه مهم است تربیت این حالت یا غریزه است . ما هرگز درصدد آن نیستیم که این غریزه را در انسانها کور کنیم و اثرات آن را فانی سازیم و یا هرگز در صدد تخلیه کودک از این حالت نیستیم و نمیخواهیم کودک ، فردی باشد کاملاً " سرد ، بی تفاوت و بی شور و حرکت .

ما اصولاً تبخشی از این شورها ، فریادهای آشوبها نیاز داریم تا بتوانیم انسان بودن خود را ثابت کنیم و از این کیان آزادی و شرف خود دفاع کنیم ، راه خود را ادامه دهیم ، جلوی سد موانع را بگیریم .

ما معتقدیم پرخاشکری در مواردی بسیار از حیات ما دارای سودها و منافعی است و آثاری حتی پسندیده دارد ولی بدان شرط که کنترل آن از دست خارج نشود . مربی و تربیتی لازم است تا آثار شقاوت بار و ویران کننده آن را تحت کنترل و ضابطه در آورد و فرد را از اعمال بی بند و بار آن دور برحذر دارد .

عوامل و انگیزه‌های پرخاشگری

قبل از هرگونه اقدام اصلاحی در زمینه پرخاشگری کودکان ضروری است عوامل، علل و نیز انگیزه‌های این امر شناخته شوند. چه بسیارند درمانهائی که بی‌اثر و بی‌نتیجه مانده‌اند از آن بابت که ریشه و منشأ آن شناخته نشده نیستند. پدر، مادر و گاهی هم مربی اقدامی را در جهت خیر و صلاح کودک انجام میدهد و تلاشی را متحمل میشود ولی پس از مدتها زحمت و کوشش باز هم در همان نقطه آغاز است از آن بابت که بیش از آن تلاش لازم بود ریشه عواملی را بخشکاند تا آن حالت بروز نکند و از نوزنده نشود.

مادر این بحث سعی داریم از علل و انگیزه‌های مهم این امر نام ببریم بدان امید که والدین و مربیان تا آنجا که امکان دارد از مداخله آن جلوگیری کنند و هم اگر ابتلائی بر اساس جنبه‌های پزشکی باید درمان شود از غیر طریق آن مورد تعقیب قرار نگیرد. اما آن عوامل عبارتند از:

۱- عوامل موروثی: از عوامل مهمی که در پرخاشگری کودکان موثر است عامل موروثی است. بدین معنی که بسیاری از جنبه‌های زیستی والدین و اجداد و نیز جنبه‌های خلق و خوی و روان که صورت تثبیت شده‌ای در افراد دارند به فرزندان منتقل میشوند.

ما بیماری هائی را در افراد سراغ داریم که به فرزندان منتقل میشوند و یا حالات و رفتار هائی در والدین هستند که از طریق وراثت و البته در مواردی بسیار از طریق تربیت و اکتساب در

نسل جدید ظاهر میشوند. معمولا " تربیت‌های قوی و نیرومند میتوانند آثار وراثت را تحت پوشش خود داشته باشند.

۲- طبیعت و مزاج: برخی از کودکان از لحاظ طبیعت و روان خود در وضع و موقعیتی هستند که گوئی حال و طبع شان آماده و مساعد برای رفتاری مسالمت آمیز نیست. بعلاوه تجربه‌های ممتد و خسته کننده و تحمل شدائد و بیماری‌های بسیار حال و حوصله خود را از دست داده و حتی در برابر امور و جریانات عادی قدرت تحمل ندارند. اگر حرف و سخن شان اندکی کش پیدا کند و یا درخواست شان بامختصر محدودیتی مواجه شود ناراحت شده به پرخاشگری و ابراز خشونت میپردازند. معمولا " در برابر چنین افراد راه مسامحه و نادیده گرفتن را باید در پیش گرفت.



۳- بیماری روانی: بسیاری از پرخاشگری‌ها و خشونت‌ها بدان خاطر صورت میگیرند که کودک وضع روحی خوب و مطلوبی ندارد. آمادگی لازم برای او نیست دردی از درون وجود او را میخورد و یا عواملی چون افسردگی، وسوسه و اضطراب او را ناراحت و بی تحمل میکند این امر ممکن است

۵ - بدآموزی های خانواده: کودکانی که در خانواده شاهد درگیری ها و زدو خورد های والدینند ، آنها که در خانه از پدر و مادر درس هزل و تمسخر می آموزند و آنان را می یابند که برای یکدیگر مزاحمت و رنج فراهم می آورند کودکانی که در خانه فرد ضعیف تر را بسیار قدرت قوی پنجه ای می یابند ، همان را با درجاتی از شدت و ضعف درباره دیگران پیاده میکنند . این امر هم بخاطر عقده تکانی و هم بخاطر تمرین و تجربه ای است که در این زمینه انجام میدهد این نکته قابل ذکر است که خشونت های پدر و رفتار سادیسمی او در فرزندان اثر نادرستی دارد و کار آینده کودک را سخت و دشوار میسازد .

۶ - نابسامانی خانواده: خانواده های نابسامان و آنها که در اثر غیبت بسیار از زندگی و خانواده درگیری ها و اختلافات ، جدائی و متارکه فرزندان

گاهی ناشی از تمایلات خرابکارانه در افراد باشد که جلوی بسیاری از آرامش رامیگیرد . هم چنین خیالباقیهای بی حساب ، ناثر و ناراحتی ناشی از ناکامی ها و محرومیت ها موجبات رنج و زحمر او در نتیجه اقدام او را به پرخاشگری موجب میشوند .

۴ - شیوه تربیت: گاهی پرخاشگری مربوط به شیوه ناپسندی است که در تربیت کودک اتخاذ شده و او را فردی غیر عادی و نامعتمدل بار آورده است . کودکانی که فوق العاده پرتوقع و ناز پرورده اند ، آنها که بگونه ای نادرست تربیت شده و انتظار آن را دارند که همگان فدای او شوند . بدیهی است بهنگامی که خود را در وضعی ببینند که توقعش برآورده نمیشود عصبانی شده و به پرخاشگری میپردازد . بهر حال روش غلط تربیت بخصوص در دوران کودکی آثار بدی را در این زمینه برجای میگذارد .



۸ - عامل فرهنگی : داستانهای خشونت آمیز

فیلم ها و نمایشنامه‌هایی که در آن زورگوئی و خشونت است ضرب المثل های بدآموز کنايات و استعارات غلط، هنرهای ورزشی خشونت بارو از عواملی هستند که در ایجاد و یا توسعه حالت پرخاشگری نقش فوق العاده‌ای دارند .

چه بسایارند داستانها یا فیلم‌هایی که زورگوئی و خشونت را بعنوان یک صفت برجسته و قابل ستایش نشان میدهند و طفل را گرفتار میسازند . همچنین است کار با اسباب بازی‌ها ، عمل‌های ورزشی چون بکس یا کشتی کج که موجبات قساوت و پرخاشگری را در فرد فراهم می‌آورند .

۹ - عامل اقتصادی : در برخی از موارد فقرها و محرومیت های اقتصادی سبب تنهاجم و پرخاشگری میگردد . حال اگر والدین و مربیان عاقلی در کار باشند میتوانند با دادن وعده‌ها برای خرید ، دادن پول به آنان که بصورت تدریجی جمع‌آوری و برای تهیه شیئی مورد نظر اندوخته شود میتوانند تا حدود زیادی جلوی آن را بگیرند . فاجعه آن گاه عظیم میشود که در عین عدم تهیه آن شیئی او را سرکوب و سرزنش کرده و مورد تنبیهش قرار دهند .



خود را تنها میگذارند او را دچار نگرانی و پرخاشگری میسازند . کودکی که شاهد درگیری و نابسامانی خویش است ، از پدر و مادر زور و اجحاف و یا سخنگیری بیجا میبیند ، بخصوص اگر نتواند در مقابل آن بایستد و خود را سبک کند زیر بار اطاعت دیگران نرفته و در مقابل در خواست اطاعت به مخالفت و پرخاشگری میپردازد . درست نبودن وضع خانواده سبب آن میشود که ناراحتی‌هایی در این زمینه پدید آید .

۷ - عامل اجتماعی : معمولا " آنها کسه در محیط‌هایی دور از تفاهم و مسالمت زندگی میکنند ، در اجتماعی بسر میبرند که بین اعضای آن درگیری و پرخاشگری است ، آنها که دائما در اجتماع خود شاهد زدو خوردها ، کشت و کشتارها ، درگیری‌ها هستند ، آنان که در محیط حیات شان تعصب های سخت ، درگیری - های بیحساب ، سماجت‌ها و ناراحتی‌ها بی اعتنائی‌ها ، حق‌شناسی‌هاست گرفتار این وضع و حالت میشوند . سعی دارند از طریق پرخاشگری و اعمال خشونت خشم و کین خود را فرو بنشانند .

منتهی پیوند را گرامی بداریم